



بنیامین نتانیاهو در سال ۱۹۴۹ در تل‌آویو از پدری و مادری لهستانی به دنیا آمد. پدرش بنزیون میلکوفسکی که بعدها نام خانوادگی خود را به نتانیاهو تغییر داد، از یهودیان لهستانی و استاد تاریخ یهود دانشگاه کورنل بود. بنزیون همچنین سال‌های جوانی خود را به‌عنوان منشی زیو جابوتینسکی فعالیت می‌کرد که از یهودیان و صهیونیست‌های افراطی اودسای روسیه و رهبر یهودیان حزب راست و جانسشین تندتور هرزل و موسس شبنه‌نظامیان دفاع از خود یهودی و لژیون یهودی ارتش بریتانیا و موسس سازمان‌های یتار، هاتزوه‌ر و ایرگون بود. نتانیاهو تحصیلات خود را در اورشلیم گذراند. در خلال سال‌های ۱۹۵۶ تا ۱۹۵۸ و از ۱۹۶۳ تا ۱۹۶۷ خانواده وی در پنسیلوانیای آمریکا زندگی کردند و در همین مدت دوران از دبیرستان چلنتهام فارغ‌التحصیل شد که ریزان انگلیسی و لهجه فیلادلفیایی او مرهون همین زمان است. بنیامین نتانیاهو بعد از فارغ‌التحصیل شدن به سرزمین‌های اشغالی بازگشت و وارد نیروی دفاعی اسرائیل و نیروی ویژه سایرت متکل که یکی از سه یگان ویژه ارتش اسرائیل است، شد. نیرویی که مسؤولیت همه عملیات‌های ضدتروریستی و عملیات‌های پنهان و مخفی در عمق خاک دشمن را بر عهده دار.

نتانیاهو از سال ۱۹۶۹ تا ۱۹۷۰ در جنگ‌های استنزاف علیه اعراب جنگید، در سال ۱۹۶۸ در جنگ کرامه در اردن شرکت کرد و در سال ۱۹۷۲ در جریان عملیات هوپایمای سابان‌زخمی شد. پس از گذراندن دوران سربازی در ارتش نتانیاهو در سال ۱۹۷۲ به آمریکا بازگشت و در رشته معماری در دانشگاه ماساچوست به تحصیل پرداخت، سپس برای تحصیل در رشته علوم سیاسی به دانشگاه هاروارد رفت و در آنجا نام خود را به بنیامین بن‌نیتای تغییر داد تا به قول خودش آمریکایی‌ها نام او را راحت‌تر تلفظ کنند. مسائله‌ای که هنوز از سوی مخالفان او در اسرائیل به‌عنوان نقطه‌ای سیاه و خودفروختگی در مقابل غیریهودیان یاد می‌شود. در سال ۱۹۷۶ برادر او یوناتان نتانیاهو که فرمانده واحد بنیامین در سایرت متکل بود در جریان عملیات انتب در اوگاندا کشته شد. با این حال نتانیاهو از همان سال به مدت دو سال در گروه مشاوره بوستون در ماساچوست مشغول به کار شد و در همانجا بود که با میت رامنی، از جمهوریخواهان کنگره و فرماندار پیشین ماساچوست آشنا شد. نتانیاهو در سال ۱۹۷۸ برای اولین بار با نام بن‌نیتای در تلویزیون حاضر شد و در باره سرزمین‌های اشغالی سخنرانی کرد و مشکلات مساله صلح را به گردن اعراب انداخت و عنوان کرد اعراب باید به کرانه باختری و نوار غزه انکفا کنند.

در سال ۱۹۷۸ به سرزمین‌های اشغالی بازگشت و تا سال ۱۹۸۰ انستیتیو ضدترور جاناتان نتانیاهو

را اداره کرد که سازمانی غیردولتی برای مطالعه تروریسم(!) بود. از ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۲ مدیر بازار بایی شرکت صنایع ریم در اورشلیم شد و در همین دوران بود که با بعضی از سیاستمداران آشنا شد که یکی از آنها موشه ارن، وزیر وقت خارجه بود که او را به‌عنوان معاون خود در امور عملیاتی در سفارت آمریکا برگزید و نتانیاهو به مدت ۲سال در این پست باقی ماند. بنیامین نتانیاهو پس از آن به مدت ۴ سال سفیر اسرائیل در آمریکا بود. در سال ۱۹۸۸ و در جریان انتخابات مجلس به اسرائیل بازگشت و به حزب لیکود پیوست و در انتخابات داخلی آن نفر پنجم شد. پس از آن در کنیست دوازدهم به نمایندگی حزب لیکود وارد مجلس شد و به‌عنوان معاون وزیر خارجه موشه ارن و پس از آن دیوید لایو انتخاب شد. در جریان کنفرانس ۱۹۹۱ مادرید که با عنوان صلح اعراب و اسرائیل برگزار شده بود به‌عنوان یکی از اعضای هیأت اسرائیلی به ریاست نخست‌وزیر وقت، اسحاق شامیر شرکت کرد و پس از آن به‌عنوان معاون وزیر در دفتر نخست‌وزیری به‌کار پرداخت.

پس از شکست حزب لیکود در سال ۱۹۹۲ انتخاباتی در داخل حزب برای انتخاب رهبر آن برگزار شد و نتانیاهو در این انتخابات بنی‌بگین فرزند‌مناحیم بگین و دیوید لایو را شکست داد و به‌عنوان رهبر حزب لیکود انتخاب شد که مجموعه‌ای از راستگرایان تمامیت‌خواه و مهم‌ترین حزب محافظه‌کار اسرائیل و مخالف اصلی تشکیل دو دولت مستقل در بیت‌المقدس است. پس از ترور اسحاق رابین، جانسشین موقت او، شیومن پز از انتخاباتی زودهنگام را برای نخست‌وزیری برگزار کرد که طی آن نتانیاهو به‌عنوان نماینده لیکود معرفی شد. در جریان این انتخابات که در سال ۱۹۹۶ برگزار می‌شد، نتانیاهو جمهوریخواهی آمریکایی را برای مدیریت کمپین خود انتخاب کرد و به‌عنوان جوان‌ترین و اولین نخست‌وزیری که در اسرائیل متولد شده بود، انتخاب شد. نتانیاهو در بدو نخست‌وزیری خود پیمان صلح اسلو را زیر سوال برد و خواهان امتیازات بیشتر در مقابل فلسطینیان شد و آنچه را در اسلو به فلسطینیان داده شده بود محرکی برای زیاده‌خواهی اعراب عنوان کرد.

به نتیجه نرسیدن مذاکرات صلح طی این سال‌ها با دولت خودگران به مذاکرات رودخانه وای ختم شد که طی آن هر دو طرف را ملزم به اجرای معاهده ۱۹۹۵ کرد و نتانیاهو تضمین کرد طی آن بحثی راجع به بیت‌المقدس و خروج از بلندی‌های

بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیری که

سرگذشت یک جلاد

■ محمدمصدق حاج‌صدقی ■

جولان صورت نگیرد.

نتانیاهو همچنین دست به اصلاحات اقتصادی و خصوصی‌سازی گسترده در سرزمین‌های اشغالی زد که طی آن حمایت احزاب چپ را از دست داد و حمایت راستگرایان نیز در جریان مذاکراتش با عرفات کاهش بی‌سابقه یافت. همزمان، ازدواج و فساد او باعث شد اقبال او نزد افکار عمومی نیز کاهش یابد. در سال ۱۹۹۷ به جرم سوءاستفاده از قدرت و انتخاب عناصر فاسد کيفرخواستی از سوی پلیس برای او صادر شد و مجددا در سال ۱۹۹۹ به اختلاس ۱۰۰ هزار دلاری متهم شد که در نتیجه همه اینها در انتخابات سال ۱۹۹۹ رقابت را به ایهود باراک واگذار کرد و به‌طور موقت از سیاست کناره گرفت. در سال ۲۰۰۰ دولت ایهود



باراک با استغای او سقوط کرد و در حالی که طبق قانون، انتخابات تنها باید برای نخست‌وزیری برگزار می‌شد، نتانیاهو اصرار داشت که انتخابات عمومی برگزار شود. با این حال او برای انتخابات کاندیدا نشد و همین امر به پیروزی آریل شارون ختم شد. در سال ۲۰۰۲ شارون، نتانیاهو را به‌عنوان وزیر خارجه انتخاب کرد. هم‌زمان نتانیاهو برای رهبری لیکود با شارون رقابت کرد که انتخابات را به او باخت. نتانیاهو طی فعالیت‌های انتخاباتی خود پیمان اسلو (پمئی که طی آن سازمان آزادیبخش فلسطین به ریاست یاسر عرفات اسرائیل را به رسمیت شناخت و اسرائیل نیز آن را به‌عنوان نماینده مردم فلسطین در نظر گرفت) را رد کرد و مخالفت‌های وی تا جایی پیش رفت که دنی راس، نماینده آمریکا گفت که رئیس‌جمهور(کلینتون) و وزیرس خارجه (مادلین آلبرایت) بر این باورند که او (نتانیاهو) هیچ اعتقادی به برقراری صلح ندارد. نتانیاهو همچنین از مذاکرات صلح آمریکا با فلسطینیان به‌عنوان اثلاف وقت یاد می‌کرد.

در سال ۲۰۰۲ سخنرانی او در دانشگاه کنکوریدیای کبک به دلیل اعتراضات

ضدصهیونیستی لغو شد. در همان سال در مجلس نمایندگان آمریکا شهادت داد که عراق در حال دستیابی به سلاح هسته‌ای است و مشابه آنچه سعی دارد در قبال برنامه هسته‌ای ایران انجام دهد نقش مهمی در حمله به عراق ایفا کرد. در سال ۲۰۰۳ شارون او را به وزارت دارایی منصوب کرد اما در سال ۲۰۰۴ مخالفت خود را با طرح خروج صهیونیست‌های ساکن در نوار غزه با تهدید به استعفا ابراز کرد و در نهایت نیز استعفا داد. در سال ۲۰۰۵ با خروج شارون از لیکود مجددا در انتخابات حزب پیروز شد و رهبری آن را به‌دست گرفت. لکن در انتخابات سال ۲۰۰۶ مجلس حزب لیکود پس از کادیم و حزب کار سوم شد و به اقلیت و جناح مخالف دولت تبدیل شد و در سال ۲۰۰۸ با آنتن‌پس اسرائیل و حماس مخالفت کرد. در ۸ مارس ۲۰۰۸ طی سخنرانی خود عنوان کرد که ایران و دولت نزاری هیچ تفاوتی با هم ندارند جز اینکه نازی‌ها اول وارد جنگ شدند بعد به دنبال سلاح اتمی رفتند اما ایرانی‌ها اول به دنبال سلاح هستند تا بعد جنگ به راه بیندازند. در سال ۲۰۰۹ نتانیاهو به‌عنوان نخست‌وزیر اسرائیل با اوپاما بر سر توقف شهرک‌سازی مخالفت کرد و آن را حق طبیعی یهودیان سرزمین‌های اشغالی دانست

و انجام مذاکرات صلح را منوط به پذیرش دولت اسرائیل از سوی اعراب دانست. همزمان از ایران به‌عنوان اصلی‌ترین خطری که اسرائیل با آن مواجه است یاد کرد و مجددا بحث سلاح هسته‌ای را پیش کشید. وی همچنین ایران را به‌عنوان خطری نه‌تنها برای اسرائیل که برای همه جهان معرفی و جنگ با ایران را جنگ مدرنیسم و بربریت عنوان کرد! پس از آن یوسی ملمن روزنامه‌نگار اسرائیلی تمرکز سیاست خارجی نتانیاهو بر ایران را عامل خارج شدن فلسطین از توجه بین‌المللی دانست که امری قابل انتقاد بر واقعیت است.

نتانیاهو ۳ بار ازدواج کرد. بار اول در سال ۱۹۷۲ با دختری یهودی که ۶ سالش پس از آن صاحب دختری به نام نوا شد اما در همان حین به‌دلیل روابط نامشروع با دختری غیریهودی و انگلیسی از همسر اولش جدا شد و با او ازدواج کرد. ازدواجی که تنها ۶ سال طول کشید. در سال ۱۹۹۱ مجددا ازدواج کرد اما در یک مصاحبه تلویزیونی در سال ۱۹۹۳ اعتراف کرد که با مشاور روابط عمومی خود رابطه داشته است. همچنین بعدها مشخص شد که همزمان با ازدواج‌هایش رابطه‌ای ۲۰ ساله با زنی آمریکایی داشته است.

بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیری که صهیونیست‌ها هم او را احق می‌دانند

تقریب تاریخ

رحلت یادگار امام «حاج سیداحمد خمینی» (۱۳۷۳ ش)



حجت‌الاسلام والمسلمین حاج سیداحمد خمینی در ۲۴ اسفند سال ۱۳۲۴ شمسی در بیت علم و عرفان و فضیلت و مجاهدت، در شهر مقدس قم دیده به جهان گشود. پس از پایان دوره دبیرستان و به هنگام تبعید والد معظمش حضرت امام خمینی (ره) به نجف اشرف، به تحصیل علوم اسلامی پرداخت و مدراج علمی را پیمود. حاج سید احمد پس از شهادت برادر بزرگوارش آیت‌الله سیدمصطفی خمینی، مسؤولیت اصلی ارتباط امام امت با یاران انقلاب را به عهده گرفت و تا پیروزی انقلاب اسلامی و سپس از استقرار نظام اسلامی، این ارتباط را کاملاً حفظ کرد و در همه لحظات در کنار حضرت امام بود. وی به عنوان رئیس دفتر امام ایهایی وظیفه می‌کرد و در خلال این مدت، با قوت و به خوبی، از انجام وظایف محوله برآمد. ایشان پس از رحلت جانشینان حضرت امام خمینی (ره)، به عضویت مجلس خبرگان رهبری و نمایندگی مقام معظم رهبری در شورایی امنیت ملی کشور برگزیده شد و تولیت مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی را برعهده گرفت. ارتباط حاج سیداحمد با مقام معظم رهبری بسیار گرم و زیانزد همگان بود و از یاران صدیق رهبر انقلاب و مورد احترام همه ملت ایران بود. این روحانی مجاهد سرانجام پس از چند روز بیماری حاد، در ۲۶ اسفند ۷۳ ق. ۴۹سالگی دارفانی را وداع گفت و پس از اقامه نماز میت توسط حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، طی مراسم باشکوهی در جوار مزار پدر ارچندش مدفون شد.

■ ■ ■

رحلت فقیه شهیر «میرزا

محمدحسین نایینی» (۱۳۵۵ ق)

آیت‌الله میرزا محمدحسین نایینی در سال ۱۳۷۷ ق در شهر نایین به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی حوزوی خود را در زادگاه خلیل‌گذراند و در ۱۷ سالگی به شهر اصفهان هجرت کرد و سپس در سال ۱۳۰۳ ق به عراق رفت. میرزای نایینی در آغاز ورود به عتبات، پس از زیارت بارگاه ملکوتی امام علی(ع) راهی سامرا شد و در محضر درس مرجع کبیر و فقیه جلیل، میرزا محمدحسن شیرازی حاضر شد. پس از مدتی، میرزای نایینی در کنار تدریس، در جلسه علمی آخوند خراسانی حاضر شد و از محرمان اسرار وی شد. میرزا با مقام ولای علمی، سیاسی و معنوی خود، شاگردان فاضل و آگاهی را به عالم اسلام عرضه کرد که از آن جمله حضرات آیات: سیدمحسن طباطبایی حکیم، سیدمحمدالدین گلپایگانی، سیدمحمد حجت کوه کمره‌ای، سیدمحمدهادی میلانی، شیخ محمدتقی آملی، سیدابوالقاسم خوبی، علامه طباطبایی، میرزا هاشم آملی و ده‌ها تن دیگر، از پرورش‌یافتگان درس مکتب این عالم برجسته هستند. ایشان همچنین با حضور خود، نهضت مردمی مشروطه در ایران را تأیید کرد. آیت‌الله نایینی کتاب «تنبیهٔ الاُمّه» را در بحران انقلاب مشروطه در سال ۱۳۲۷ ق به زبان فارسی نوشت و از سوی آیت‌الله مازندرانی و آیت‌الله آخوند خراسانی مورد تأیید قرار گرفت. سرانجام میرزا محمدحسین نایینی پس از عمری تلاش و خمت، در ۲۶ جمادی‌الاول سال ۱۳۵۵ ق در ۷۸ سالگی به جوار رحمت ایزدی پیوست و پس از تشییعی باشکوه و اقامه نماز توسط آیت‌الله سیدابوالحسن اصفهانی، در کنار حرم مطهر حضرت علی(ع) به خاک سپرده شد.

■ ■ ■

امضای «معاهده بروکسل» پس از پایان جنگ دوم جهانی (۱۹۴۸م)

با پایان جنگ دوم جهانی، دول اروپایی که سابقه و نتیجه خونین ۲ جنگ وسیع در قرن بیستم را در نظر گرفته بودند، برای حاکمیت صلح و آرامش و در نتیجه بازسازی اروپای ویران، تمهیدات متعددی اندیشیدند. یکی از این کارها، انعقاد پیمان بروکسل بود که در این شهر به امضای وزیران خارجه انگلستان، فرانسه، بلژیک، هلند و لوکزامبورگ رسید. براساس مفاد این معاهده که در ۱۷ مارس ۱۹۴۸م منعقد شد، دولت‌های امضاکننده متعهد شدند حداقل به مدت ۵۰ سال، در امور سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی خود متحد باقی بمانند.
چندی بعد، در سال ۱۹۴۹م کشورهای آلمان غربی و ایتالیا نیز به این پیمان ملحق شدند. این سازمان پس از عضویت دیگر کشورهای اروپایی، به عنوان اتحادیه اروپای غربی به کار خود ادامه داد و با فروپاشی بلوک شرق، اتحادیه اروپا شکل گرفت.



سفارت آمریکا در عراق نیز از این هیأت برای سفر به آمریکا و رایزنی درباره تشکیل گارد ملی در استان‌های سنی‌نشین در عراق دعوت به عمل آورده است.

به هر حال تشکیل گارد ملی در کشوری با شرایط پیچیده‌ای مانند عراق، بسیار حساس و نگران‌کننده است. در چنین شرایطی جلب حمایت تمام طرف‌های سیاسی در عراق از این مساله بسیار دشوار است لذا بهتر است دولت عراق، تا زمانی که ابهامات مربوط به این تشکیلات رفع نشده و ضمانت‌های لازم برای جلوگیری از انحراف احتمالی اعضای آن ارائه نشده، اجازه ندهد تنها با انگیزه جلب رضایت اهل تسنن و عشایر، آنها به سلاح‌های سنگین مجهز شوند، زیرا برای جلب رضایت این افراد که اکنون به دو دسته تقسیم شده‌اند و برخی از داعش و برخی از دولت مرکزی حمایت می‌کنند، راه‌های دیگری نیز وجود دارد که دولت حیدر عبادی به‌خوبی از آن آگاه است.
انتخاب وزیر دفاع از یکی از افراد شایسته اهل تسنن عراق یکی از این راه‌ها بود که نخست‌وزیر با ذکاوت تمام، آن را عملی کرد.